

# قاچاق کالا سالانه ۲۰۰۰ میلیارد ریال به دولت ضرر می زند

اشاره:

حفاظت و صیانت از مرزهای اقتصادی و گمرکی کشور برای تحقق آرمان‌های کاهش  
انکاء به درآمدهای نفتی و استقلال و خودکفایی اقتصادی ضرورت دارد.

قاچاق پدیده مذمومی است که مرزهای اقتصادی و گمرکی کشور را تهدید می‌کند و  
مانع از بهره‌گیری مناسب از توانمندی‌ها و استعدادها بالقوه و بالفعل اقتصادی  
می‌شود. مبارزه با قاچاق کالا یکی از برنامه‌های عمده اقتصادی است تا بتوان برنامه‌های  
تجارت خارجی، تشویق سرمایه‌گذاری و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، جامه  
عمل پوشاند.

متأسفانه سالانه ۳ تا ۵ میلیارد دلار از منابع ارزی محدود کشور صرف واردات  
غیرقانونی کالاهای غیر ضروری می‌شود که هیچ تأثیر سازنده‌ای در پیشبرد و بهبود  
ساختار و بنیه اقتصادی کشور ندارد. دست‌اندرکاران مبارزه با قاچاق کالا ضمن تأکید بر  
تلاش بیشتر نیروهای انتظامی و گمرک به اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای اقتصادی که  
تأثیر بیشتر و وسیع‌تری در کاهش سوددهی فعالیت قاچاق کالا دارد، تأکید دارند.

خبرنگار نشریه «بررسی‌های بازرگانی» در گفت‌وگو با آقای دکتر محمدرضا  
رفعتی از پژوهشگران ارشد مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، نظرات ایشان را  
در رابطه با تأثیر قاچاق کالا بر اقتصاد کشور و نیز راه‌های معقول و منطقی در مبارزه با  
قاچاق جو یا شد.

با هم ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانیم.

## ■ تعریف قاچاق از جنبه اقتصادی چیست؟

□ شاید قاچاق تعریف مشخصی نداشته باشد. ارگان‌های مختلفی که در امر مبارزه با قاچاق دخالت دارند، هر کدام تعریف خودشان را ارایه می‌دهند. تعریفی که گمرک از قاچاق می‌دهد، شاید با تعریف نیروهای انتظامی یکی نباشد.

کالایی که به گمرک وارد می‌شود، اگر متفاوت از مشخصاتی که اظهار می‌شود، باشد، از نظر گمرک قاچاق محسوب می‌شود. اما در قالب تعریف نیروی انتظامی، موضوع به نحو دیگری دیده

می‌شود. آنها معتقدند کالاهایی که ورودشان به کشور ممنوع است، اگر وارد شود، قاچاق محسوب می‌شود. ارتقایی که نیروهای انتظامی و گمرک از کشفیات کالاهای قاچاق می‌دهند نیز با یکدیگر متفاوت هستند.

## ■ چرا قاچاق به وجود می‌آید؟ دلایل وجود قاچاق چیست؟

□ شاید عمده‌ترین دلیل به وجود آمدن قاچاق، قوانین و مقررات باشد و یا به‌طور مشخص‌تر محدودیت‌ها و ممنوعیت‌هایی که وجود دارد، باعث قاچاق می‌شود. اگر محدودیت‌ها و

ممنوعیت‌های ورود کالا وجود نداشت، هر کالایی به سادگی وارد یا خارج کشور می‌شد و قاچاق محسوب نمی‌شد. علاوه بر محدودیت و ممنوعیت قوانین و مقررات، عامل دیگری نیز باعث قاچاق می‌شود که آن هم اختلاف قیمت و یا انگیزه کسب سودی است که در قاچاق کالا وجود دارد.

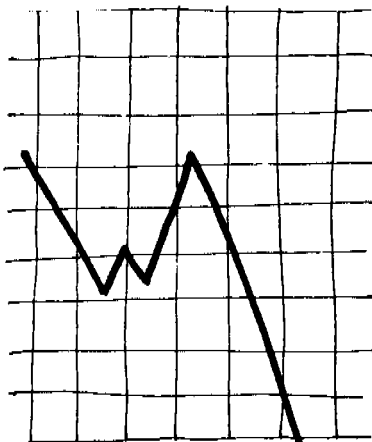
برای تشریح این موضوع چنانچه ممنوعیت و محدودیت قوانین و مقررات در داخل کشور وجود داشته باشد، اما قیمت‌ها در بازار داخل و خارج یکسان باشد، هیچ انگیزه‌ای برای خروج و یا

دولت از اين کالاها وصول نمي‌شود. بايد ديد هزينه فرصت يا درآمد از دست رفته تاجاق از نظر حقوق گمرکي و سود بازرگاني براي دولت چه ميزان است.

کالاهايي که به‌طور غيرقانوني وارد کشور مي‌شوند، به‌طور عمده کالاهاي لوکس و مصرفي هستند. اکثراً اين کالاها گران‌قيمت و سبک‌وزن مي‌باشند.

هزينه حمل‌ونقل اين‌گونه کالاها پايين و سود حاصل از فروش آنها زياد

است. با نگاهی به اين‌گونه کالاها مشاهده مي‌شود، وسايل الکترونيکي، دوربین، ظروف چيني، انواع عطر و... کالاهايي هستند که جنبه لوکس دارند و حقوق گمرکي و سود بازرگاني آنها بيش از ۵۰ درصد است، بنا بر اين يک برآورد اجمالي نشان مي‌دهد که اگر رقم کالاهاي تاجاق در سال گذشته ۲ ميليارد دلار باشد حدود ۲۰۰۰ ميليارد ريال حقوق گمرکي و سود بازرگاني حقه دولت وصول نمي‌شود. اين لطمه بزرگي است که به کشور و درآمدهای مالياتي دولت وارد مي‌شود.



**تاجاق**

اعلام مي‌کند، ولي اين رقم مربوط به کل تاجاق کالا که از مرزها وارد و يا خارج مي‌شود نيست.

اگر بتوان از درصد کشفیات تاجاق کالا برآورد صحيحی داشته باشيم، مي‌توان از روی آن برآوردی از کل ميزان

○ عمده‌ترين دليل به‌وجود آمدن تاجاق، ممنوعيت‌ها و محدوديت‌ها مي‌باشند که اگر برداشته شوند، هر کالايي به سادگي وارد يا خارج مي‌شود، بدون آنکه تاجاق محسوب شود.

تاجاق به‌دست آورد. اصولاً در اين زمينه که چند درصد از کالاهای تاجاق کشف مي‌شود، اختلاف نظر وجود دارد.

به نظر من ميزان کالاهای تاجاق که کشف مي‌شود، حدود ۵ تا ۱۰ درصد کل کالاهای تاجاق است. به ديگر سخن بيش از ۹۰ درصد کالاهايي که به صورت تاجاق وارد کشور مي‌شوند، معمولاً کشف نمي‌شوند.

اين موضوع مقداري مسأله را بفرنج مي‌کند. آخرين آمار ارايه شده براي کالاهای تاجاق در سال گذشته از سوی نيروهای انتظامي حدود ۸۶۰ ميليارد ريال اعلام شد. اگر فرض شود ۱۰ درصد کالاهای تاجاق کشف شود، بنا بر اين با توجه به رقم نيروهای انتظامي، حجم کل کالاهای تاجاق کشور ۸۶۰۰ ميليارد ريال است و چنانچه نرخ ارز ۴۲۰۰ ريال محاسبه شود، حجم کالاي تاجاق حدود ۲ ميليارد دلار در سال گذشته بوده است.

### ■ آیا تاجاق کالا به اقتصاد کشور

لطمه وارد مي‌کند؟

□ کالاهای تاجاق برخلاف کالاهايي که به‌صورت رسمي وارد کشور مي‌شوند، سود بازرگاني و عوارض گمرکي پرداخت نمي‌کنند. به ديگر سخن حقوق حقه

ورود يک کالا به‌طور غيرقانوني وجود نخواهد داشت.

البته تاجاق کالا دلايل سياسي نيز دارد. به‌طور مثال اسلحه و مواد مخدر مي‌تواند به‌طور تاجاق وارد يک کشور شود که به اعتبار سياسي و نظامي آن کشور لطمه مي‌زند.

### ■ چه عواملی

تاجاق کالا را

تسهيل و تشديد مي‌کند؟

□ هر قدر هزينه و مخاطره (ريسک) تاجاق کمتر باشد،

تاجاقچي کالا کمتر احساس خطر مي‌کند و با هزينه کمتری مي‌تواند کالا را از خارج به داخل و يا از داخل به خارج انتقال دهد. بنا بر اين اگر مرزهای کشور از کنترل مناسبی برخوردار نباشد، زمينه‌ای براي تسهيل و تشديد تاجاق کالا فراهم خواهد شد.

موضوع ديگري که تاجاق را تشديد مي‌کند، بيکاري، فقر و توسعه نيافتگي مناطقي است که از آنجا کالا به‌طور تاجاق وارد و يا خارج مي‌شود. در اين مناطق اکثراً جوانان تاجاق کالا را يک شغل با درآمد مکفي مي‌بينند. علت اصلي اين امر در مناطق محروم، بيکاري است و افراد تاجاقچي در اين مناطق از قشر بيکار محلي به سهولت براي تاجاق کالا به داخل يا خارج استفاده مي‌کنند.

### ■ حجم تاجاق کالا از کشور چه

ميزان است؟

□ در زمينه حجم تاجاق کالا از کشور آمار و اطلاعات رسمي و دقيقی وجود ندارد، زيرا تاجاق کالا يک فعاليت غيرقانوني محسوب مي‌شود و نمي‌توان آمار دقيق و مشخصی از آن داد. آمار کشفیات تنها آماري است که در اين زمينه وجود دارد. هر ساله نيروي انتظامي يا گمرک آمار کشفیات کالاي تاجاق را

لطمه دیگری که در اثر قاچاق کالا به اقتصاد کشور وارد می شود، آن است که اگر کالای قاچاق جایگزین داخلی داشته باشد، به تولید و اشتغال در کشور لطمه می زند. در مقابل کالاهای قاچاق که وارد کشور می شود، باید ارز پرداخت شود. بنابراین ارز از کشور خارج می شود و تقاضا برای ارز در بازار غیرمجاز به وجود می آید که باعث بالا رفتن قیمت ارز در جامعه شده و اثرات تورمی به دنبال دارد.

در ضمن اگر در مقابل ورود کالاهای قاچاق، کالایی از کشور خارج شود که قابل تبدیل به ارز در بازار خارجی باشد، خروج این

نوع کالاها در مقابل کالاهای قاچاق، خود نوعی خروج ارز محسوب می شود، زیرا اگر این کالاها از مسیر رسمی از کشور خارج می شد، براساس پیمان ارزی که باید سپرده شود، ارز حاصل از فروش آنها باید به کشور بازگردد. در نتیجه از تبعات این امر، کشانده شدن صادرات کشور به سوی صادرات قاچاق است.

لطمه دیگری که در اثر قاچاق کالا به اقتصاد کشور وارد می شود، این است که سرمایه ای که در اثر ورود کالای قاچاق از کشور خارج می شود، می تواند در فعالیت های مولد به کار گرفته شود و باعث تولید و اشتغال شود. در این زمینه اگر تصور شود برای ایجاد هر شغل ۱۰ هزار دلار سرمایه گذاری نیاز است، با دو میلیارد دلار قاچاق کالا، حدود ۲۰۰ هزار شغل در کشور ایجاد نخواهد شد. چرا که این پول ها به سمت قاچاق کالا سوق داده شده اند. البته قاچاق، خود تا حدی اشتغال ایجاد می کند و افرادی را به کار می گیرد، اما کار ایجاد شده چون مولد نیست، اشتغال کاذب نامیده

می شود. این اشتغال نه تنها باعث افزایش تولید در کشور نمی شود، بلکه ممکن است تولید را از طریق جایگزینی با کالای داخلی از بین ببرد.

اصولاً قاچاق کالا چه از نظر درآمدهای ارزی و چه از نظر اشتغال تبعات منفی دارد. ذکر این نکته ضروری است که در برخی مواقع قاچاق کالا تورمزا است، چون قیمت ارز را بالا می برد، ولی از جنبه های دیگر امکان

○ هر اندازه که مفاطره (ریسک) قاچاق کالا کمتر باشد، عوامل قاچاق احساس خطر کمتری می کنند. اگر مرزها کنترل مناسبی نداشته باشند، زمینه انجام قاچاق کالا تشدید و تشویق می شود.

درد تورم را تخفیف دهد، زیرا کالایی که وارد می شود به دلیل تقاضایی است که برای آن وجود دارد. قاچاق چنین کالایی عرضه را در جامعه افزایش می دهد و در نتیجه قیمت آن کاهش می یابد.

قاچاق اصولاً الگوی مصرف را تغییر می دهد. وقتی کالاهای لوکس با قیمت نسبتاً ارزان وارد کشور می شود، مصرف آن افزایش می یابد، بنابراین الگوی مصرف تا حدی به سوی استفاده از کالاهای لوکس و مصرفی گرایش پیدا می کند. البته این گرایش برای کسانی که قدرت خرید بالایی دارند، صادق است.

■ آیا می توان گفت الگوی مصرف جامعه باعث ایجاد قاچاق می شود؟

□ در اینجا بحث علیت مطرح می شود، به این معنی که آیا الگوی مصرف است که زمینه قاچاق را ایجاد می کند، یا برعکس قاچاق است که الگوی مصرف را به وجود می آورد.

به نظر من هر دو این موضوع وجود دارد. زیرا اگر تقاضای کالا در جامعه وجود نداشت، قاچاق آن انجام نمی شد،

ولی به محض ورود کالای قاچاق به بازار مصرف، اثرات نمایشی آن هویدا می شود. برای مثال هنگامی که یکی از نزدیکان فرد از ادوکلن خارجی استفاده می کند، بی اختیار آن فرد مصرف زده می شود و از چنین کسالی استفاده می نماید. این امر قاچاق را تشویق می کند و یک علیت دوطرفه است.

اصولاً چون قاچاق کالا روی کالاهای لوکس و مصرفی انجام می شود و هیچگاه دیده نشده است

مواد اولیه کارخانه ها به صورت قاچاق وارد کشور شود، قاچاق در جامعه تبعات منفی خواهد داشت.

### ■ مبادی

ورودی کالاهای قاچاق از چه نقاطی در کشور است؟

□ قاچاق از محل هایی وارد کشور می شود که مخاطره (ریسک) و هزینه کمتری داشته باشد. زیرا اگر قاچاقچی کالا دستگیر شود، جریمه و زندان به وی تعلق می گیرد و کالای قاچاق نیز ضبط می شود.



یا اینکه آن کالا را بدون انتقال ارز و یا در مقابل صادرات وارد نمایند.

البسته ورود کالا بدون انتقال ارز، واردات در مقابل صادرات و یا خرید ارز از بازار آزاد، هر کدام تبعات خود را دارد. اگر ورود کالاهای آزاد شده در مقابل صادرات صورت گیرد که این امتیاز هم اینک صرف ورود مواد اولیه می‌شود، تولیدات کشور لطمه می‌خورد.

اگر ارز موردنیاز این‌گونه کالاهای وارداتی از بازار آزاد خریداری شود، فشار زیادی به بازار آزاد وارد می‌شود. این امکان نیز وجود دارد که ارز مورد تسقضا بیش از نیاز واقعی مورد درخواست واردکنندگان باشد. بنابراین کاری که باید انجام شود، این است که ابتدا یک محاسبه دقیق صورت گیرد که از ورود کالاهایی که قبلاً قاچاق محسوب می‌شد، به چه میزان سود بازرگانی و حقوق گمرکی باید گرفته شود که میزان واردات آنها در حد کنونی ثابت بماند. البته این طرح در حد یک نظریه است که

باید کارهای فرهنگی صورت گیرد و اشتغال افزایش یابد. آگاهی مردم این مناطق از اینکه قاچاق فعالیت مضر است و به اقتصاد لطمه می‌زند، باعث می‌شود افراد کمتری جذب آن شوند و فعالیت‌های قاچاق کالا تضعیف شود. البته این امر نمی‌تواند به صورت صددرصد تحقق یابد، زیرا نمی‌توان گفت در همه مناطق محروم، تمامی افراد شاغل شوند و دارای درآمد کافی باشند.

شاید بهترین راه، آزاد کردن ورود بسیاری از کالاهایی است که قبلاً قاچاق اعلام شده بود. این روش برای تمامی کالاهای قاچاق مقدور نیست، اما می‌توان عمده‌ترین کالاهایی را که قبلاً جزو کالاهای قاچاق محسوب می‌شد، جزو کالاهایی که ورود آنها آزاد است، اعلام کرد.

البته ورود این کالاها باید قانونی و پرداخت کلیه حقوق گمرکی صورت گیرد. این امر از جهاتی مطلوب است، ولی باید تبعات منفی آن نیز در نظر گرفته

تجربه نشان داده است انبوه کالاهای قاچاق وارداتی از مرزهای دریایی و یا کوهستان‌های صعب‌العبور وارد کشور می‌شود. هیچ‌گاه دیده نشده است که محموله قاچاق از راه‌های اصلی وارد شود، زیرا در این راه‌ها کنترل شدیدتری نسبت به نقاط صعب‌العبور وجود دارد. نقطه دیگری که محل ورود کالاهای قاچاق است، مناطق آزاد می‌باشد. ورود کالا به مناطق آزاد، آزاد است و خروج آن نیز به دلیل وسعت مرزهای دریایی، راحت‌تر انجام می‌گیرد.

### ■ برای جلوگیری از ورود و خروج کالاهای قاچاق به کشور چه باید کرد؟

□ راهی که به ذهن هر فردی می‌رسد، کنترل شدید مبادی ورودی است. این موضوع تا حدی جوابگو است، ولی در عمل امکان آنکه سراسر مرزها را بتوان به دقت و به‌طور مستمر کنترل کرد وجود ندارد. زیرا اگر این کنترل مستمر باشد، هزینه آن بسیار بالا خواهد بود، به‌طوری که امکان دارد هزینه آن از زیان مادی مترتب بر امر قاچاق بیشتر باشد.

مشکل دیگری که در کشور وجود دارد، این است که کالاهای قاچاق در خط مرزی و جاده‌های کشور قاچاق محسوب می‌شوند. اما هنگامی که به شهرها برسند و توزیع شوند، قاچاق محسوب نمی‌شوند.

بهترین روش این است که علاوه بر کنترل کالاهای قاچاق در نوار مرزی و جاده‌ها، در سطح خرده‌فروشی نیز کنترل و مبارزه با قاچاق صورت بگیرد. البته این راه علاج قطعی واقعه نیست، زیرا وقتی با کالاهای قاچاق در داخل مغازه‌ها مبارزه شود، آنها را در زیرزمین‌ها پنهان می‌کنند و هزینه آنها بالا می‌رود، چون مخاطره (ریسک) آنها بالا رفته است.

راه دیگر مبارزه با قاچاق کالا، رسیدگی به مناطقی است که از آنها کالای قاچاق وارد کشور می‌شود. در این مناطق که به‌طور عمده مناطق محروم هستند،

○ کنترل شدید مبادی ورود کالاهای قاچاق تا مدی پاسفگو می‌باشد. اما امکان آنکه سراسر مرزها به دقت کنترل شود، وجود ندارد، زیرا مستلزم صرف هزینه بسیار سنگینی است که از زیان مادی مترتب بر قاچاق کالا بیشتر است.

باید روی آن در سطح گسترده کار شود. در این موضوع یک نکته ظریف وجود دارد. امکان دارد پس از محاسبه، مشخص شود که حقوق گمرکی و سود بازرگانی این‌گونه کالاها مثلاً ۵۰۰ درصد باید باشد، در آن صورت است که فایده‌ای ندارد، چون واردکننده برای آنکه این میزان سود بازرگانی و حقوق گمرکی را پرداخت نکند، باز کالا را از راه‌های قاچاق وارد کشور می‌کند. بنابراین باید حقوق گمرکی و سود بازرگانی در حدی

شود. اگر ورود کالاهایی که قبلاً قاچاق محسوب می‌شد، آزاد اعلام شود، این امر کافی نخواهد بود که کلیه تبعات منفی قاچاق از بین برود، باید به نحوی کالاهای قاچاق آزاد شده را نیز کنترل کرد، زیرا آزاد کردن ورود این‌گونه کالاها باعث افزایش تقاضا برای ارز می‌شود و چون دولت در تأمین نیازهای ارزی محدودیت دارد، واردکنندگان باید ارز موردنیاز را از بازار آزاد خریداری کنند و

باشد که انگیزه قاچاق را از بین ببرد و آن را به مسیر رسمی هدایت کند و حجم قاچاق را نیز افزایش ندهد. این نرخ باید دقیقاً محاسبه شود. اگر چنین نرخی پیدا شد، راه قاچاق سد خواهد شد و کالا از قاچاق به مسیر فعالیت‌های رسمی انتقال می‌یابد و دولت نیز حقوق خود را از این‌گونه کالاها دریافت خواهد کرد و به اقتصاد لطمه وارد نمی‌شود. اما در مورد ورود کالاهایی که ممکن است حقوق گمرکی و سود بازرگانی زیادی مثلاً تا ۵۰۰ درصد به آنها تعلق گیرد و در عمل واردکننده مجبور شود آن کالا را از راه قاچاق وارد کند، نمی‌توان کار اقتصادی زیادی کرد، مگر اینکه بررسی شود که آن کالا چیست و چرا وارد کشور می‌شود.

اگر کالایی باشد که به دلیل کمبود تولید داخلی وارد می‌شود، باید تولید داخلی را افزایش داد تا آن کالا دیگر به‌طور قاچاق وارد نشود. اگر ورود آن کالا ناشی از میزان تولید نباشد، بلکه ناشی از کیفیت تولید نسبت به کالاهای وارداتی باشد، باید تولید داخلی را کنترل کیفی کرد تا کالای مرغوب تولید شود. اگر مربوط به هیچ‌یک از این دو امر نباشد، آن وقت است که نمی‌توان کاری کرد.

البته راه چاره‌نهایی، افزایش صادرات غیرنفتی و بالا بردن درآمدهای ارزی است. اگر محدودیت ارزی نباشد، ارز به میزان کافی در اختیار واردکنندگان قرار می‌گیرد و کالاهای مورد نیاز وارد کشور می‌شود.

### ■ در طرح ساماندهی اقتصادی، آیا موارد جلوگیری از قاچاق کالا را مورد بحث قرار داده است؟

□ مشکلات اقتصادی کشور، مشکلات عدیده‌ای است. طرح ساماندهی اقتصادی با این هدف که هر مشکل کوچکی را حل کند، تدوین نشده است. این طرح چند محور نظیر اشتغال، توسعه صادرات، تراز پرداخت‌های کشور که دغدغه‌های اصلی نظام است را مورد

بررسی قرار داده است.

به جای اینکه هزار هدف ریز و درشت در نظر گرفته شود، اگر یکی دو معضل کلان اقتصادی کشور حل شود، به مراتب مفیدتر از آن خواهد بود تا اینکه با ابزارها و امکانات محدودی که وجود دارد، هزار هدف را نشان رفت و در پی حل آن برآمد.

در اقتصاد هر چه اهداف کمتر باشد و با یکدیگر هم‌جهت باشد، رسیدن به آن اهداف ساده‌تر است. در طرح ساماندهی، دولت می‌توانست اهداف عدیده‌ای را در نظر بگیرد، ولی در عمل رسیدن به آنها امکان‌پذیر نبود. اهداف فعلی در طرح ساماندهی اقتصادی نیز اهداف زیادی است. باید یک، دو و یا سه هدف را در نظر گرفت تا رسیدن به این اهداف به راحتی امکان‌پذیر باشد.

البته ایجاد اشتغال و توسعه صادرات غیرنفتی که از محورهای اصلی طرح ساماندهی است، می‌تواند موضوع قاچاق کالا را نیز تاحدودی حل کند. ضمناً با قیمت‌گذاری صحیح نیز می‌توان تا حدودی از قاچاق کالا جلوگیری کرد.

### ■ آیا بازارچه‌های مرزی توانسته‌اند از قاچاق کالا در نقاط مرزی جلوگیری کنند؟

□ بازارچه‌های مرزی اگر طبق قوانین و ضوابط مربوط به این بازارچه‌ها عمل کنند، برای اقتصاد منطقه مفید خواهد بود. ورود و خروج کالا از این بازارچه‌ها باعث ایجاد اشتغال می‌شود و هر منطقه با توجه به مزیت‌های نسبی آن کالاهایی را صادر یا وارد می‌کند. این امر علاوه بر ایجاد اشتغال، اقتصاد منطقه را سامان می‌بخشد و برای مردم ایجاد درآمد می‌کند.

اگر فعالیت این بازارچه‌ها بی‌ضابطه شود، به اقتصاد منطقه لطمه وارد می‌کند. صدور کالا از این بازارچه‌ها باید ضوابط کل صادرات کشور را حفظ کند و از خروج کالاهای نامرغوب از این

بازارچه‌ها باید جلوگیری شود، زیرا اگر کالای غیرمرغوب از بازارچه‌های مرزی خارج شود، نه تنها وجهه کالای صادراتی، بلکه بازار ایران را خراب می‌کند.

در زمینه واردات نیز اگر قرار باشد بازارچه‌های مرزی محلی برای ورود کالاهای ممنوع باشد، یا کالاهایی که موردنظر نیست وارد شود، لطمات زیادی به اقتصاد وارد می‌شود. به نظر من بازارچه‌های مرزی به شرطی که در چارچوب ضوابط کشور عمل کنند، برای اقتصاد منطقه مفید خواهند بود.

ملاحظات سیاسی آن مناطق نباید باعث شود از بازارچه‌های مرزی هر کالایی وارد یا خارج شود و کانالی برای ورود کالاهای قاچاق شود.

### ■ مواردی چون بوروکراسی اداری، قیمت‌گذاری کالا، بخشنامه‌های متعدد، مراحل متعدد گمرکی و... آیا قاچاق کالا را تشویق نمی‌کنند؟

□ این موارد می‌تواند دلیلی بر برقراری قاچاق کالا باشد. انگیزه اصلی قاچاق، سود است. هر گاه برای صدور کالا از راه قانونی فعالیتی انجام شود که هزینه تولیدکننده و صادرکننده افزایش یابد، انگیزه‌ای به وجود می‌آید که آن کالا از مسیر غیرقانونی صادر شود. اگر قیمت یک کالا در بازارچه‌های خارجی ۲ دلار باشد، اما به صادرکننده گفته شود که در مقابل آن ۳ دلار ارز وارد کشور کند، این صادرکننده تشویق به صدور کالا از طریق قاچاق می‌شود.

تشریفات اداری نیز باعث می‌شود سرمایه صادرکننده را کد بماند و یا حتی کالای صادراتی وی فاسد شود. چنین صادرکننده‌ای مجبور می‌شود قوانین را «دور بزند» و از راه‌های غیرقانونی کالای خود را صادر نماید. قوانین بازدارنده، تماماً می‌توانند باعث بروز قاچاق شوند.

